



0138

۲۰۰
۱
۵۰۳
لوحه

جان راولز از نگاه مایکل سندل

سرشناسه	شاقول، یوسف، ۱۳۴۱-
عنوان	جان راولز از نگاه مایکل سننل
پدیدآور	یوسف شاقول، اکرم نوری زاده
مشخصات نشر	قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	۵۵-۲ ص.
شابک	978 - 622 - 6069 - 00 - 7
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا (فهرست نویسی پیش از انتشار)
یادداشت	کتابنامه
	نمایه
	چاپ اول
موضوع	۱. راولز، جان، ۱۹۲۱-م. - نقد و تفسیر. ۲. لیبرالیسم. ۳. جماعت گرایی. ۴. عدالت. ۵. سننل، مایکل، ۱۹۵۲-م. - نظریه درباره جان راولز. ۶. سننل، مایکل، ۱۹۵۳-م. - نظریه درباره جماعت گرایی.
شناسه افزوده	الف. نوری زاده، اکرم، ۱۳۴۵-، نویسنده همکار ب. دانشگاه مفید ج. عنوان
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ج ۲ / ۵۷۸ JC
رده بندی دیویی	۳۲۰/۱۱
کتابخانه ملی	۲۸۰۸-۹۷-ن

جان راولز از نگاه مایکل سندل

یوسف شاقول و اکرم نوری زاده





جان راولز از نگاه مایکل سندل
| یوسف شاقول و اکرم ثوری زاده |

| ناشر | انتشارات دانشگاه مفید |

| ویراستار | جمال امامی |

| ناظر چاپی | حسن عامری |

| لیتوگرافی | سینا | چاپی | اشراق | صحافی | کوثر |

| شاپک | ۷-۰۰۰-۶۹-۶۰-۶۲۲-۹۷۸ |

| چاپی اول | زمستان ۱۳۹۷ |

| شمارگان | ۳۰۰ جلد |

| قیمت | ۶۵۰۰۰ تومان |

| entesharat@mofidu.ac.ir |

| قم - انتهای بلوار شهید صدوقی، دانشگاه مفید |

| تلفن: ۳۲۴ و ۳۲۳-۰۲۵ | نماینده: ۰۲۵-۳۲۹۰۵۴۸۸ | کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۷۷۷ |

فهرست مطالب

۹.....	دیاچه
۱۳.....	مقدمه

فصل اول

لیبرالیزم و جماعت‌گرایی / ۲۷

۲۸.....	۱-۲ لیبرالیزم
۳۹.....	۳-۱ جماعت‌گرایی
۵۶.....	۴-۱ جمع‌بندی

فصل دوم

شرح آموزه‌های راولز / ۵۷

۵۷.....	۱-۲ مقدمه
۵۸.....	۲-۲ جایگاه عدالت از دیدگاه راولز
۶۲.....	۳-۲ تفاوت میان اندیشه‌های راولز متقدم و متأخر
۶۸.....	۴-۲ عدالت رویه‌ای ناب

- ۶۹..... ۲-۵ نظریه قرارداد راولز.....
- ۷۵..... ۲-۶ اصل تفاوت در برابر لیبرتاریانیسم و شایسته‌سالاری.....
- ۸۲..... ۲-۷ مفهوم شخص از دیدگاه راولز.....
- ۸۷..... ۲-۸ مفهوم جامعه از دیدگاه راولز.....
- ۸۹..... ۲-۹ پلورالیسم معقول.....
- ۹۱..... ۲-۱۰ ساختار حکومت مطلوب از دیدگاه راولز.....
- ۹۲..... ۲-۱۱ جمع‌بندی.....

فصل سوم

شرح آموزه‌های سندل / ۹۳

- ۹۳..... ۱-۳ مقدمه.....
- ۹۴..... ۲-۳ سیر تاریخی اندیشه‌های سندل.....
- ۱۰۰..... ۳-۳ ریشه‌های اصلی تفکر سندل.....
- ۱۰۰..... ۱-۳-۳ ارسطو.....
- ۱۰۴..... ۲-۳-۳ جمهوری خواهان پیشین آمریکا.....
- ۱۱۳..... ۳-۳-۳ جماعت‌گرایان (مک‌اینتایر، چارلز تیلور، مایکل والزر).....
- ۱۱۷..... ۳-۴ آیا سندل فیلسوفی جماعت‌گراست؟.....
- ۱۲۳..... ۳-۵ معضل اصلی عصر ما از دیدگاه سندل.....
- ۱۲۹..... ۳-۶ مفهوم جماعت از دیدگاه سندل.....
- ۱۳۳..... ۳-۷ مفهوم هویت از دیدگاه سندل.....
- ۱۴۰..... ۳-۸ مفهوم آزادی از دیدگاه سندل.....
- ۱۴۳..... ۳-۹ جایگاه حقوق فردی از دیدگاه سندل.....
- ۱۴۹..... ۲-۱۰ جمهوری خواهی مدنی از دیدگاه سندل.....
- ۱۵۱..... ۱-۱۰-۳ معنای جمهوری خواهی مدنی از دیدگاه سندل.....
- ۱۵۸..... ۲-۱۰-۳ نقاط ضعف اندیشه جمهوری خواهی مدنی.....
- ۱۶۳..... ۳-۱۰-۳ دلایل گذار تدریجی از جمهوری خواهی مدنی به سمت جمهوری رویلای.....
- ۱۶۹..... ۴-۱۰-۳ نمونه‌هایی از نهضت‌های جمهوری خواهانه.....

- ۱۷۵ ۱۰-۵ ساختار حکومت مطلوب مورد نظر سندل
- ۱۸۳ ۱۱-۳ اقتصاد سیاسی شهروندی از دیدگاه سندل
- ۱۹۰ ۱۲-۳ معنای کار آزاد از دیدگاه سندل
- ۱۹۵ ۱۳-۳ جایگاه دین از دیدگاه سندل
- ۲۰۱ ۱۴-۳ مفهوم عدالت از دیدگاه سندل
- ۲۰۹ ۱۵-۳ جایگاه اخلاق از دیدگاه سندل
- ۲۱۶ ۱۶-۳ دیدگاه سندل درباره کاربرد علم ژنتیک و پزشکی نوین
- ۲۱۹ ۱۶-۱-۳ محدوده مجاز کاربرد علم نوین از دیدگاه سندل
- ۲۲۰ ۱۶-۲-۳ کاربردهای غلط علم نوین در ورزش از دیدگاه سندل
- ۲۲۲ ۱۶-۳-۳ کاربردهای غلط علم نوین در طراحی کودکان از دیدگاه سندل
- ۱۶-۴-۳ آیا استدلال سندل در بحث شأن اخلاقی کاربرد غیردرمانی علم نوین، استدلالی دینی است؟ ۲۳۸
- ۱۶-۵-۳ شأن اخلاقی تحقیق درباره سلول‌های بنیادی از دیدگاه سندل ۲۴۶
- ۱۷-۳ جمع‌بندی ۲۵۶

فصل چهارم

شرح نقدهای سندل بر لیبرالیسم و نظریه عدالت راولز / ۲۵۷

- ۱-۴ مقدمه ۲۵۷
- ۲-۴ نقدهای سندل بر مفهوم خود نامقید در نظر راولز ۲۵۸
- ۳-۴ نقدهای سندل بر تقدم عدالت در دیدگاه راولز ۲۷۰
- ۴-۴ نقدهای سندل بر نظریه قرارداد راولز ۲۸۴
- ۵-۴ نقدهای سندل بر اصل تفاوت در دیدگاه راولز ۲۹۳
- ۶-۴ نقدهای سندل بر قانون تبعیض مثبت دورکین ۳۰۷
- ۷-۴ نقدهای سندل بر سودگرایی در عدالت ۳۲۲
- ۸-۴ نقد سندل بر مفهوم آزادی لیبرال ۳۳۰
- ۱-۸-۴ نقد سندل بر مفهوم آزادی دینی از دیدگاه لیبرال‌ها ۳۳۴
- ۲-۸-۴ نقد سندل بر مفهوم آزادی بیان از دیدگاه لیبرال‌ها ۳۳۷

۳۳۹	۹-۴ نقدهای سندل بر ایده تقدم حق بر خير
۳۵۴	۱۰-۴ نقدهای سندل بر ایده دولت بی طرف
۳۷۸	۱۱-۴ تأثیر لیبرالیسم بر نهاد خانواده و قانون طلاق
۳۸۵	۱۲-۴ جمع بندی

فصل پنجم

۳۸۷	ارزیابی آموزه ها و نقدهای سندل از دیدگاه متفکران معاصر / ۳۸۷
۳۸۷	۱-۵ مقدمه
۳۸۸	۲-۵ رزماری گارلند تامسن
۳۹۱	۳-۵ دیوید پدل
۳۹۹	۴-۵ لونجینو برونی
۴۰۲	۵-۵ لودویگ بکمن
۴۰۸	۶-۵ ریچارد رورتنی
۴۱۵	۷-۵ الن هیورث
۴۲۶	۸-۵ ویل کیملیکا
۴۳۰	۹-۵ جین همپتن
۴۳۵	۱۰-۵ جمع بندی
۴۳۷	ارزیابی و نتیجه
۴۴۰	(۱) ارزیابی نقد سندل بر مقدمات اصول عدالت
۴۵۱	(۲) ارزیابی نقدهای سندل بر ایده تقدم عدالت از دیدگاه راولز
۴۵۴	(۳) ارزیابی نقدهای سندل بر اصل تفاوت از دیدگاه راولز
۴۸۳	منابع و مآخذ
۴۸۹	نمایه

دیباچه

عدالت چه معنایی دارد؟ محتوای عدالت از چه منبعی قابل کسب است؟ چه جامعه‌ای را می‌توان عادل نامید؟ مردمان عادل چه ویژگی‌ها و خصوصیات دارند؟ مهم‌ترین دغدغه رهبران سیاسی عادل چیست؟ رابطه میان شهروندان و حاکمان و حقوق و وظایف آنها نسبت به یکدیگر در یک جامعه عادل چگونه است؟ تلاش برای یافتن پاسخی شایسته برای پرسش‌هایی از این دست، یکی از دغدغه‌های مهم اندیشمندانی بوده است که در طول تاریخ در اندیشه ترسیم یک جامعه آرمانی بوده‌اند. شناخت دقیق و نقادانه پاسخ‌هایی که متفکران مکاتب مختلف حوزه فلسفه سیاسی برای این پرسش‌ها یافته‌اند، برای دانشجویان و علاقه‌مندان تحقیق و پژوهش در این رشته ضروری است و کاربست گونه بومی سازی شده‌ای از بخش‌های قابل پذیرش این اندیشه‌ها می‌تواند در مسیر تحقق عدالت در ایران عزیز الهام‌بخش باشد. برماست که با نگاهی غیرمغرزانه و اندیشمندانه، نقاط ضعف و قوت مهم‌ترین اندیشه‌های مطرح شده در این حوزه را بشناسیم.

پرواضح است که شناخت دقیق همه پاسخ‌هایی که به این پرسش‌های مهم ارائه شده است، در این دفتر نمی‌گنجد؛ از این‌رو بر اساس معیارهای

جذابیت، اهمیت، تازگی و کمبود منابع جامع در موضوع شناخت اندیشه‌های ایجابی و موضع انتقادی مایکل سندل در برابر اندیشه‌های جان راولز، مؤلفان کتاب پیش‌رو بررسی رویکرد این دو متفکر درباره مضمون عدالت را برعهده گرفته‌اند.

در زمینه موضوع این پژوهش، منبع جامع و مستقلی وجود ندارد. البته در برخی از کتاب‌های حوزه فلسفه سیاسی بسیار مختصر به رویکرد جامعه‌گرایانه سندل در نقد لیبرالیسم راولز اشاره‌هایی شده است؛ مثلاً کتاب اولویت دموکراسی بر فلسفه، اثر ریچارد رورتی که حاوی پاسخ به برخی نقدهای سندل بر انسان‌شناسی در نظر راولز است، به فارسی ترجمه شده است. همچنین گزیده‌ای از اندیشه‌های سندل، که در کتاب جامعه‌گرایان و نقد لیبرالیسم چاپ شده است، و نیز مقاله‌ای از وی که در کتاب لیبرالیسم و منتقدان آن آمده است، به فارسی برگردانده شده است. با این وجود می‌توانیم بگوییم، هیچ یک از این تألیفات، نمی‌توانند همه یا حداقل بخش اعظمی از اندیشه‌های سندل را تبیین کنند؛ از این‌رو پژوهش در این موضوع در حوزه دانشگاهی مورد نیاز است و می‌تواند در شناخت یکی از جریان‌های اندیشه سیاسی معاصر به دانش‌پژوهان کمک کند.

تردیدی نیست که این اثر دارای کاستی‌ها و نقص‌هایی است و چه بسا مسائلی وجود دارد که در این موضوع از دید مؤلفان این کتاب معقول مانده است؛ با این وجود، هرآنچه در توان داشته‌ایم در بررسی و شناخت جامع این موضوع تلاش کرده‌ایم تا شاید این اثر بتواند به عنوان منبعی مناسب در این موضوع و البته هرچند ناچیز در عرصه پهن‌آور تأمل فلسفی در اختیار علاقه‌مندان این حوزه قرار بگیرد. اگر این کتاب بتواند شناختی کلی درباره چیستی عدالت در دو رویکرد متفاوت معاصر ارائه نماید و شوق شناخت بیشتر و دقیق‌تر را در خوانندگان خود ایجاد نماید، هدف مؤلفان محقق گردیده است. امید است که برآیند این تلاش بتواند به تحقق این هدف کمک نماید و قطره‌ای بسیار کوچک به سمت اقیانوس بی‌کران علم باشد.

لازم به یادآوری است که محتوای این کتاب برگرفته از رساله دوره دکتری خانم اکرم نوری زاده تحت عنوان بررسی و ارزیابی نقدهای مایکل سندل بر نظریه عدالت جان راولز با راهنمایی جناب آقای دکتر یوسف شاقول دانشیار و عضو محترم هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه اصفهان است.

در پایان بر خود فرض می‌دانیم، از انتشارات دانشگاه مفید که در چاپ این اثر همکاری نموده است، صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم. همچنین مراتب سپاس خود را نسبت به معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان که مجوز چاپ و انتشارات این اثر را صادر نمودند، ابراز می‌داریم.

واپسین سخن شکر و سپاس از خداوندی است که توفیق شایستگی تلاش، تحصیل و پویندن راه علم را به ما عطا فرمود و خانواده و معلمانی نیکو بر ما ارزانی داشت تا به لطف مهربانی‌ها و حمایت‌های بی‌دریغشان راه علم‌آموزی بر ما هموار گردد.

مقدمه

مفهوم عدالت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم فلسفه سیاسی است. عدالت فضیلتی است که به موجب آن به هر کسی باید آنچه که حق اوست، داده شود؛ معنای دیگر عدالت به معنای قرار دادن بنیاد احقاق حقوق بر مبنای مساوات در برابر قانون و احترام به افراد و رعایت تعادل قانونی بین منافع موجود است.^۱

غالب مکاتب و صاحب‌نظران تلاش نموده‌اند، درباره مبنای و اهمیت عدالت در زندگی بشر نظریه پردازی کنند. عدالت همواره به عنوان یک آرمان، مورد توجه حکومت‌ها، گروه‌های سیاسی و نحله‌های فکری بوده و بر همین مبنا عدالت از جمله رسالت‌های انبیای الهی محسوب شده است. در مذهب تشیع عدالت از اصول مذهب و به عنوان میزان و سنجش است. در دوره رنسانس، عدالت با امنیت، آزادی، عهد و پیمان و قرارداد اجتماعی پیوند خورد و لیبرالیسم با دغدغه امنیت شکل گرفت و در دیدگاه مارکس رنگ اقتصادی به خود گرفت.

۱. علی آقابخشی و مینو افشاری راد، (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات اسناد و مدارک علمی ایران، صص ۵۹-۳۵۸.

افلاطون، ارسطو، هابز، هیوم و کانت از متفکرانی هستند که درباره عدالت اندیشیده‌اند. افلاطون نخستین کسی است که به شیوه‌ای تحلیلی و استدلالی نظریه‌ای جامع پیرامون عدالت مطرح کرده است. وی در کتاب جمهوری به بررسی ابعاد فردی و اجتماعی عدالت می‌پردازد و ویژگی‌های جامعه عادل را تبیین می‌نماید. گفت‌وگوی سقراط با تراسیماخوس سوفسطایی فتح‌بایی برای طرح پرسش چیستی عدالت است. هنگامی که سقراط از تراسیماخوس درباره مفهوم عدالت پرسش می‌کند، او بدون تأمل و به آسانی چنین پاسخ می‌دهد که عدالت همان منفعت اقویاست. در ادامه وی سعی می‌کند، ثابت کند، باور تراسیماخوس درباره عدالت نادرست است. افلاطون از چهار فضیلت حکمت، شجاعت، خویشتنداری و عدالت سخن به میان می‌آورد و در این میان عدالت جایگاهی بس رفیع دارد و مهم‌ترین فضیلت و سرچشمه دیگر فضایل در نظر گرفته می‌شود. به نظر افلاطون، در یک جامعه عادل هر فرد و طبقه‌ای به کار و وظیفه مخصوص به خود و متناسب با استعداد خود می‌پردازد.

به نظر ارسطو، رسیدن به سعادت و نیک بختی خیر نهایی اعمال است که از طریق عمل کردن بر اساس فضیلت حاصل می‌شود و عدالت والاترین فضیلتی است که می‌تواند بشر را به سعادت برساند. عدالت شامل همه فضایل است و به معنایی خاص، فضیلت کامل است؛ چون عدالت‌ورزی، مستلزم به کار بردن همه فضایل است و خیر فردی و اجتماعی را برای آدمی به ارمغان می‌آورد.^۲ به نظر ارسطو، عدالت اجتماعی در جامعه‌ای محقق می‌شود که هدف آن بهزیستی و کمال افراد است و سیاست‌مدارانی بافضیلت برای اداره جامعه

۱. افلاطون، (۱۳۸۷)، *دوره آثار*، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ص ۴۳۳.

۲. ارسطو، (۱۳۷۸)، *اخلاق نیکوماخس*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو، ص ۱۶۸ (۱۱۱۳۰).

دارد که به تدوین قوانین اخلاقی و ترویج فضیلت در میان مردم می‌پردازند. در چنین جامعه‌ای، فضیلت معیار توزیع مناصب والا و حکمرانی است.^۱

توماس هابز^۲ در تعریف عدالت معتقد است، انسان‌ها قراردادهای منعقدۀ را اجرا می‌نمایند. وی با تقسیم عدالت به مبادله‌ای و توزیعی عقیده داشت، عدالت مبادله‌ای به تساوی ارزش چیزهای موضوع قرارداد باز می‌گردد و عدالت توزیعی به توزیع منافع مساوی بین افرادی که دارای لیاقت و شایستگی یکسانی هستند، می‌پردازد. هابز با توجه به شعار آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران روا مدار، مسئله قرارداد و توافق را مطرح می‌کند و معتقد است هر فرد با عمل به وعده و قرارش به صیانت از خود می‌پردازد. برای هابز، عدالت قراردادی برای حفظ منابع و مصالح است.^۳

در نظر دیوید هیوم، عدالت فضیلتی صناعی تلقی می‌شود که ریشه در طبیعت درونی بشر ندارد بلکه بشر بر اساس خواست منافع فردی، تصمیم به تدوین قوانین عادلانه‌ای می‌گیرد که در واقع عمل به آنها منفعتی عمومی برای همگان حاصل می‌کند؛ در واقع در شرایط طبیعی و بدون قانون، وقتی انسان دارایی‌ها و اموال خود را در معرض خطر می‌بیند، نیاز به قانون عادلانه را حس می‌کند. وی بر این باور است که عدالت، فضیلت به شمار می‌آید اما نه برای همه جوامع و به طور مطلق بلکه تنها در شرایط خاصی مثل کمبود متوسط منابع، خودخواهی متوسط بشر و تناسب قدرت در میان افراد جامعه برای توزیع مواهب و حفظ دارایی‌ها و اموال نیاز به فضیلت درمانی عدالت به وجود می‌آید.^۴

۱. ارسطو، (۱۳۷۱)، سیاست، ترجمۀ حمید عنایت، تهران، انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، ص ۱۲۵ (۱۲۸۱) ب و (۱۲۸۱).

2. Thomas Hobbes.

۳. توماس هابز، (۱۳۸۷)، *لویاتان*، ترجمۀ حسن بشیریه، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ص ۱۷۵.

4. Hume. David, (1777) "An Enquiry Concerning the Principles of Morals" LasALL, Illinois, P.184.

برخلاف هیوم، به نظر ایمانوئل کانت^۱ از طریق میل، منفعت و قرارداد نمی‌توان به مفهوم عدالت پی برد بلکه اصول عدالت برگرفته از داوری‌های عقل عملی محض بوده و برای همگان یکسان است. کانت انسان‌ها را موجوداتی آزاد و برابر تلقی می‌کند که توانایی و حق انتخاب روش زندگی خود را دارند و هیچ کسی نباید به بهانه ارتقای خیر و خوشبختی یا هر دلیل دیگری آزادی برابر دیگران را نقض کند. ملاک حق و عدالت، سود و نتیجه نیست بلکه حق آن است که هر کسی در راستای عمل به وظیفه خویش گام بردارد و بر اساس قانونی رفتار کند که بتواند بپذیرد، این قانون، لزوماً قانونی عام برای همگان شود.^۲

یکی از رویکردهای اصلی فلسفه سیاسی معاصر درباره عدالت شامل پرسش‌هایی از این قبیل است که چه باید بکنیم تا جامعه‌ای عادلانه داشته باشیم و چه باید بکنیم تا مردمی عادل به حساب بیاییم و یا این پرسش که نهادها و روابط اجزای ساختار اجتماعی باید چگونه سازمان یابند تا به عدالت اجتماعی دست یابیم، از این جمله هستند. این پرسش‌ها در واقع، پرسش از محتوای اصول عدالت به مثابه مبنایی برای ترسیم ساختارهای اجتماعی مطلوب و نظام حقوق و وظایف عادلانه افراد در یک جامعه مطلوب هستند.

جان راولز با انتشار کتاب نظریه عدالت، رویکرد جدیدی را نسبت به عدالت به مثابه مبنای ایجاد ساختار اجتماعی مطلوب مطرح کرد و باعث شد کاوش در مورد عدالت اجتماعی و شیوه جمع میان حقوق و آزادی‌های فردی با عدالت توزیعی کانون بحث فلسفه سیاسی شود. راولز با کتاب نظریه عدالت، جانی تازه به فلسفه سیاسی بخشید. اهمیت و آوازه نظریه وی برای همه دانشجویان حوزه فلسفه سیاسی شناخته شده و در زبان فارسی نیز آثار متعددی در نقد و بررسی دیدگاه‌های وی تألیف شده است.

1. Immanuel Kant.

2. Kant, Immanuel, (1969), *Foundation of metaphysics of morals* trans by Lewis, P.63.

نوزیک، لیبرترین معاصر، با اینکه به نقد نظریهٔ راولز در ابتدای کتاب *آناشسی، دولت، اوتوپیا* می‌پردازد، اما معتقد است که این نقدها از ارزش نظریهٔ عدالت راولز چیزی نمی‌کاهد. به نظر او در حال حاضر هر کسی که بخواهد، در حوزهٔ اندیشهٔ سیاسی نظریه‌پردازی کند یا باید نظریات راولز را بپذیرد و یا باید توضیح دهد که چرا نمی‌پذیرد. دیدگاه‌های راولز فقط در حوزهٔ فلسفهٔ سیاسی مطرح نیست بلکه اندیشه‌های لیبرال وی به عنوان مبنای قانون‌گذاری در ایالات متحده قرار گرفته است. از این‌رو بررسی نقاط ضعف اندیشهٔ وی در نظر معاصرین مورد نیاز است. راولز، این فیلسوف لیبرال، در اندیشهٔ تدوین اصول اساسی ساختار جامعه‌ای است که در آن مردمانی که دارای آموزه‌ها و باورهای معقول و متفاوتی هستند، بتوانند در درازنای زمان با هم زندگی کنند؛ به گونه‌ای که تفاوت در عقیده و ارزش باعث نشود، آنها از حقوق و آزادی‌های اساسی اولیهٔ نابرابری برخوردار شوند. وی بر این باور است که یا در نظر گرفتن موضوعات ضروری و اساسی تشکیل یک جامعهٔ عادل و با تأمل در شرایط موجود، درمی‌یابیم که این مهم تنها در چارچوب عمل به اصول دوگانهٔ عدالت محقق می‌شود. هرچند ممکن است در شرایط دیگری اصول عدالت متفاوتی وجود داشته باشد که کارآتر و درست‌تر باشد اما در حال حاضر به نظر می‌رسد، این اصول بهتر از دیگر گزینه‌های در دسترس ماست. عدالت، مهم‌ترین مسئلهٔ منظومهٔ فکری راولز است و هدف او این است که از رهگذر نظریهٔ قرارداد که میراثی از روسو، لاک و کانت است، به منصفانه‌ترین اصول عدالتی که احتمال دارد، مورد توافق انسان‌هایی عاقل و معقول قرار گیرد، دست یابند. به نظر راولز در سودگرایی، به عنوان فلسفهٔ اخلاق رایج و مسلط در زمانه‌اش، اشکالات اساسی وجود دارد و زمان آن رسیده است که بدیل قابل توجهی در برابر آن مطرح شود. راولز به این موضوع اشاره می‌کند که ساختار عادلانه و اصول عدالت مدنظر وی مورد قبول همهٔ مردم در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها قرار نخواهد گرفت بلکه مردمانی که در جامعهٔ لیبرال دموکرات زندگی می‌کنند، می‌توانند موافق کاربست این اصول در عرصهٔ اقتصاد و سیاست آنها باشند.

اهمیت نظریه راولز باعث شده است تا بسیاری از متفکران معاصر نسبت به اندیشه‌های وی توجه داشته باشند و در این میان رویکردهای انتقادی بسیاری به اصول عدالت و همچنین مبانی راولز وجود دارد. در میان منتقدان وی دسته‌ای با عنوان جماعت‌گرایان معروف شده‌اند. جماعت‌گرایی، اصطلاحی است که اولین بار توسط امیل دورکیم^۱ در سال ۱۸۸۷ به کار برده شد اما ریشه‌های اندیشه جماعت‌گرایی را می‌توان در اندیشه فلاسفه‌ای مثل ارسطو، هگل^۲ و مارکس نیز یافت؛ به این دلیل که این متفکران نیز به‌گونه‌ای در نقد فردیت لیبرالی و تقدم فرد بر جامعه سهیم هستند. چارلز تیلور^۳، السدیر مک‌آنتایر^۴، مایکل والزر^۵ و مایکل سندل چهار متفکری هستند که با عنوان جماعت‌گرا شناخته می‌شوند. خود فلاسفه جماعت‌گرا این عنوان را نمی‌پذیرند و این عنوان توسط دیگران بر آنها اطلاق می‌شود؛ مثلاً سندل توضیح می‌دهد، اندیشه‌های من در تقابل با نظریه عدالت راولز، قرابت‌هایی با جماعت‌گرایی دارد اما من همه مواضع جماعت‌گرایی را نمی‌پذیرم بلکه بیشتر می‌توانم بگویم، دیدگاه من به رویکردهای الهیاتی^۶ و کمال‌گرا^۷ نزدیک است. این عنوان پس از انتشار کتاب لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت، تألیف مایکل سندل رواج خاصی یافت. جماعت‌گرایی معمولاً به عنوان پاسخی به نظریه عدالت راولز و فرد‌گرایی^۸ افراطی آن شناخته می‌شود اما اغلب باید مفاد ایجابی دیدگاه‌های جماعت‌گرایانه را از درون نقدهای آنها بر لیبرالیسم استنباط نمود. نمی‌توان نظریه‌ای مشترک را به عنوان دیدگاه جماعت‌گرایان درباره عدالت اجتماعی معرفی نمود دلیل این امر این است که اختلاف درونی فراوانی میان آرای جماعت‌گرایان وجود دارد

1. Emile Durkheim.

2. Hegel.

3. Charles Taylor.

4. Alasdair MacIntyre.

5. Michael Walzer.

6. Theological.

7. Perfectionist.

8. Individualism.

و وجه اشتراک میان آنها بسیار کم است و نیز تنها نوعی شباهت خانوادگی میان فلاسفه جماعت‌گرا وجود دارد. هر یک از جماعت‌گرایان بر موضوعات خاصی تأکید نموده‌اند که از وجوهی با هم بیگانه است و وجه جماعت‌گرا خواندن این فلاسفه یکی نیست. نقطه اشتراک اندیشه‌های متفکران جماعت‌گرا در نقد فردگرایی افراطی و تنزیل ارزش جامعه در شکل‌گیری هویت فرد در نظریات لیبرالی است.^۱

وجه جامعه‌گرا بودن مایکل سندل این است که وی بر لزوم توجه به نقش جامعه بر شکل‌گیری هویت فرد که راولز از آن غافل مانده است، تأکید می‌کند و بر این باور است که نظریه راولز درک درستی از معنا و اهمیت جماعت ندارد. در میان فلاسفه جماعت‌گرا وی بیش از همه به نقد دیدگاه‌های راولز می‌پردازد و از آن رو که نظریه عدالت جان راولز، دیدگاهی بسیار مهم در فلسفه سیاسی معاصر است، بررسی و ارزیابی این نقدها دارای اهمیت می‌نماید.

سندل بر آن است که لیبرالیسم در هواخواهی از ایده‌های تقدم حق بر خیر^۲ در پرتانتز گذاشتن باورهای دینی و اخلاقی^۳ و پذیرش دولت بی‌طرف^۴ به خطا رفته است. او معتقد است، در یک جامعه مطلوب باید آموزه‌های جامع اخلاقی وجود داشته باشند و هر حکومتی باید افراد را به پیگیری زندگی‌هایی که در سنت آن جامعه خیر و نیک تلقی می‌شود، تشویق کند؛ از این رو دولت و حکومت نمی‌تواند نسبت به نوع زندگی مردم بی‌طرف باشد. سندل در ناپسامانی‌های دموکراسی نیز نقد لیبرالیسم بی‌طرف را ادامه می‌دهد و به هواخواهی از حکومت جمهوری خواهی مدنی می‌پردازد که در آرزوی تربیت شهروندانی نیکو و با فضیلت است و سعی می‌کند با نهادهای سیاسی و تنظیمات اقتصادی مناسب، اخلاق خوبی را در میان شهروندان

۱. احمد واعظی، (۱۳۸۸)، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، صص ۸۷-۳۸۶.

2. Priority of Right over Good.

3. Bracketing Moral and Religious Beliefs.

4. Neutral State.

ترویج دهد. وی در آثار بعدی خود هم به وفور به نقد نمودهای لیبرالیسم می‌پردازد و دیدگاه خود را درباره عدالت بیان می‌کند.

بررسی اندیشه‌های سندل به عنوان یکی از متفکران معاصر در حوزه فلسفه سیاسی از آن رو برای ما اهمیت دارد که در جامعه ایران می‌توانیم با برخی دغدغه‌ها و نگرانی‌های وی همراهی کنیم. وی بسیار نگران رواج بی‌اخلاقی در قاموس گرایش به سودگرایی و آزادی افراطی است و منتقد جدایی از فضیلت در استدلال‌های اخلاقی شهروندان است. متأسفانه ما نیز با بسیاری از رفتارهای خالی از فضیلت که سندل به آنها اشاره می‌کند، مواجه هستیم و شاید زمان آن رسیده است که اندکی عمیق‌تر ریشه‌های این رفتارها را واریسی کنیم.

برآنیم در این کتاب، پس از شناخت اندیشه‌ها و آموزه‌های سندل به این موضوع بپردازیم که راه‌حل‌های کلی سندل، مبنی بر گرایش به سمت استدلال و بحث اخلاقی، داشتن دولت غیر بی‌طرف، گرایش به خیر عمومی و توجه به مرزهای اخلاقی بازار برای داشتن جامعه عادل تا چه حد می‌تواند ما را در حل مسائل جامعه ایران یاری دهند. با نگاهی به محیط اطراف خود مشاهده می‌کنیم که در حال حاضر با مشکلات بسیاری مواجه هستیم که هر یک بنا به موضوع، راهکارهای متفاوتی را می‌طلبند. به نظر می‌رسد راهکارهای سندل به تنهایی نمی‌تواند همه مشکلات موجود جامعه ما را که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم، حل نماید. به طور کلی نه راه‌حل راولز و نه راه‌حل سندل به تنهایی نمی‌تواند راهگشای ما باشد و شاید به کارگیری تلفیقی از این دو رویکرد با کنار گذاشتن نقاط ضعف آنها بتواند نوید خوبی برای رسیدگی به برخی مشکلات باشد، هرچند که این دو متفکر فقط اصول کلی را به ما می‌دهند و تعیین محدوده کاربرد آنها و تدوین دقیق قوانین بر مبنای آنها مستلزم کارشناسی‌های پیچیده و استفاده از نتایج تحقیقات علمی است. برخی از مشکلاتی که در اطراف خود مشاهده می‌کنیم؛ مثل ضعف امکانات عمومی مناسب و با کیفیت نظیر بیمارستان، مدرسه، پارک، وسایل نقلیه، باشگاه و ...، بی‌تعهد بودن کارخانجات در تولید مواد غذایی باکیفیت، مشکلات

آموزشی در مدارس، کمبود شدید امکانات در زاغه‌ها، روستاها و مناطق پایین دست شهرها، تولید وسیله نقلیه آلوده کننده هوا، بیکاری، شرایط اقتصادی بد کارگران، ناامنی، عدم رسیدگی به مشکلات مناطق محروم و عدم رسیدگی مناسب به شکایات شهروندان از مسائلی هستند که تنها با دخالت مستقیم دولت قابل حل هستند. در مشکلاتی از این دست دولت باید به دنبال تأمین رفاه همه شهروندان خویش باشد و توجه به روش راولز در تدوین ساختارهای اساسی جامعه بر اساس اصل تفاوت می‌تواند مفید باشد.

دسته‌ای دیگر از مشکلات مثل شیوع اعتیاد، طلاق، خشونت، تجاوز، کودک‌آزاری، کار کودکان، فساد اداری، اختلاس، پارتی‌بازی و ... نیز نیاز به قوانین بسیار سخت‌گیرانه‌تر دارد. درست است که این مشکلات ریشه در دوری از اخلاق و فضیلت در میان برخی اقشار جامعه دارد و اگر ما می‌توانستیم به مردم آموزش‌های کافی بدهیم، شرایط بسیار بهتری داشتیم. با این‌وجود استناد به فضیلت، بحث اخلاقی و تشویق به تنهایی کارگشا نیست. در حال حاضر در کنار آموزش‌های اخلاقی مناسب، نیاز به متولیان دقیق برای اجرای موشکافانه قوانین وجود دارد.

دسته سوم از مشکلات وجود دارند که دخالت مستقیم دولت از طریق قانون نمی‌تواند راهگشا باشد. برای حل مشکلاتی نظیر رواج بی‌اخلاقی در رابطه فرزندان و والدین، زوج‌ها، معلم و محصل، خیانت، ناآگاهی شهروندان نسبت به ضرورت صرفه‌جویی، حفظ محیط زیست، نظافت و آلوده نکردن معابر عمومی، گران‌فروشی، بی‌توجهی و بی‌رحمی نسبت به قشر ضعیف، تبلی و نبود مطالعه و ورزش و تغذیه سالم، بی‌توجهی به والدین و گرایش به خانه‌سالمدان، بی‌اخلاقی و بی‌صبری مردم به نحوی که کوچکترین مشکل و سوء تفاهم به مشکلات عدیده، مثل قتل و اسیدپاشی منجر می‌شود، ناآگاهی نسبت به نحوه تربیت فرزندان و ناآگاهی بچه‌ها و جوانان نسبت به خطرهای موجود، پارتی‌بازی، مصرف‌گرایی، مدگرایی در میان مردم و ترویج آن از طریق رسانه عمومی، بی‌تفاوتی مردم نسبت به آسیب‌دیدگان تصادف و درگیری‌های خیابانی و ...

آموزش‌های مناسب از طریق مدرسه و رسانه‌های عمومی مورد نیاز است. ترویج دوره‌های آموزشی اخلاقی شغلی قبل از استخدام و حین کار، به ویژه برای مشاغلی نظیر هنرمندان و ورزشکاران که امروزه تأثیر زیادی در عقاید و باورهای مردم دارند، ضروری است. متأسفانه چنین آموزش‌هایی یا غایب، بسیار محدود و کم‌رنگ است و یا در مشاغل دولتی محدود به آموزش‌های فقهی می‌شود؛ در حالی که جای دوره‌های آموزشی اخلاقی و روشن کردن میزان مسئولیت‌های اخلاقی افراد بسیار خالی است.

رسانه عمومی تأثیر فزاینده‌ای در شکل‌گیری باورها و نوع رفتار مردم دارد اما به قول سندل متأسفانه در حال حاضر داغ‌ترین خبرهای موجود در مورد زندگی خصوصی هنرمندان، ورزشکاران و سیاست‌مداران است و بخش مهم دیگر رسانه به تبلیغات تجاری می‌پردازد. در برابر این دغدغه‌ها، آموزش اخلاق شهروندی حقیقتاً حاشیه‌ای و کم‌رنگ است.

در مدارس و دانشگاه‌ها نیز با اینکه شاهد پیشرفت‌هایی در آموزش بوده‌ایم، جای آموزش‌های اخلاق شهروندی، حرفه‌ای، خانوادگی و اجتماعی خالی است. در کلاس‌های درسی اخلاق صرفاً به حفظ موقت برخی آموزه‌های اخلاقی اکتفا می‌شود و بحث درباره موضوعات روز و مسائل جاری جامعه و آموزش نوع برخورد اخلاقی درست کمتر اتفاق می‌افتد. در زمینه موضوعات اجتماعی مهمی که روزانه همه شهروندان یک جامعه با آن مواجه هستند، نیاز به آموزش و تعلیم همگانی بسیار گسترده‌تر از این وجود دارد.

سندل توجه زیادی به نوع سوم از مشکلاتی که ما در جامعه خویش به وفور مواجه هستیم، دارد. راه‌حل وی بحث‌های عمومی آگاهی‌بخش است تا اینکه مردم از رهگذر به چالش کشیدن باورها و عقاید خود بتوانند باورها، عقاید و منش خود را بهتر کنند. مطالعه آثار سندل به ما یاد می‌دهد که از موضعی نقادانه باورهای رایج جامعه خود را ارزیابی کنیم. توجه سندل به اخلاق و فضیلت و رواج بحث‌های دینی و اخلاقی و طرح روشن و همگان فهم این موضوعات از نقاط قوت اندیشه وی است. ادبیات روان و ساده و همگان

فهم وی در آثار اخیرش و اینکه او برخی از مهم‌ترین دغدغه‌های اخلاقی و فلسفی را با مثال‌هایی توضیح می‌دهد که برای همه قابل فهم است، علاوه بر اینکه روشی جالب است که طرفداران بسیاری پیدا کرده است، می‌تواند در جامعه ما نیز قابل کاربست باشد. طرح مسائل اخلاقی به زبان ساده به ما کمک می‌کند که ببینیم در موقعیت‌های واقعی زندگی چطور باید رفتار کنیم و چه اصولی را در اولویت قرار دهیم. توجه سندل به فرهنگ و آموزش شهروندی به مردم از طریق نهادهای جامعه مدنی روش مناسبی برای تربیت شهروندان با اخلاق تر است. نهادهای جامعه مدنی مثل مدرسه، اماکن مذهبی، پارک، مکان‌های ورزشی و رسانه عمومی می‌توانند به اعضای خود آموزش‌های مورد نیاز درباره محیط زیست، صرفه جویی، فضیلت محوری، اخلاق حرفه‌ای را ارائه دهند. همچنین توجهی که سندل به فضایی مثل مهربانی، خیرخواهی، برادری و دوستی دارد، از نقاط قوت اندیشه‌های وی است.

حقیقت این است جامعه انسانی علاوه بر رفاه و رشد و رونق، به فضایل والاتری نیز نیاز دارد. ما در روابط خود با دیگران نباید فقط بر اساس سود شخصی و آزادی فردی رفتار کنیم. ضرورتی ندارد در یک خانواده لزوماً همه اعضای خانواده بر اساس اصول عدالت و حقوق قانونی رفتار کنند و انتظارات خود را بر این مبنا تنظیم کنند. واقعیتی که امروزه به وفور اتفاق می‌افتد و حتی در شرایط معمول زندگی، مثلاً زنان مهریه و حقوق قانونی خود را اهرم فشار قرار می‌دهند، مردان به حق خود برای ایجاد برخی محدودیت‌ها استناد می‌کنند، فرزندان در قبال والدین خود احساس تکلیف کمی دارند، و در موارد زیادی فقط به حفظ مبادی اولیه احترام متقابل اکتفا می‌کنند، رابطه میان دانش آموز و معلم، دیگر کمتر بر اساس احترام به مقام معلمی است، بلکه محصلان بسیار بر حقوق خود که شاید در موارد زیادی به زیان آوردن آنها ضروری نیست، تأکید می‌کنند. مراجعین ادارات و کارکنان آن برخورد‌های نامناسبی با هم دارند و بسیار حق به جانب برخورد می‌کنند. بسیار مشاهده می‌شود که از مسئولیت پذیری افراد تقدیر نمی‌شود، بلکه آن را وظیفه

می‌دانند. در برخورد با کارکنان مشاغل سخت، کمتر کسی به فکر تشکر و قدردانی و محبت کردن به آنهاست و درمقابل معمولاً زبان اعتراض همه جا گشوده است. ما یاد گرفته‌ایم که پیوسته اعتراض کنیم، نقاط ضعف اطرافیان خویش را برجسته کنیم، بیشتر حق به جانب باشیم و کمتر احساس مسئولیت کنیم؛ در حالی که میزان اندکی صبر، مسئولیت‌پذیری، مهربانی، گذشت، احترام به جایگاه والدین و معلمان، کمک به سالمندان، ضرورتاً حقوق انسانی ما را پایمال نخواهد کرد بلکه می‌تواند شأن انسانی و والایی را متجلی سازد و شیوع این رفتارها ما را به سمت جامعه‌ای آرام‌تر و مهربان‌تر رهنمون می‌کند.

با وجود اینکه سندل به مشکلاتی از این دست اشاره می‌کند، این مسائل تنها بخشی از معضلات معاصر را نشان می‌دهند و از طرف دیگر، راه‌حل‌های وی به تنهایی کافی نیست. راه‌حل سندل این است که دولت عادل نمی‌تواند و نباید نسبت به آموزه‌های اخلاقی و دینی جامعه بی‌طرف باشد. باید آموزه‌های خیر جمعی در جامعه وجود داشته باشد و هدف اصلی جامعه، تعالی اخلاقی شهروندان باشد. دولت باید بیش از این به آموزش شهروندی و اخلاق‌مداری همت کند و مردم را از مبانی و نتایج رفتارهایشان آگاه کند. اینکه ما صرفاً بخواهیم مردمی آزاد و مرفه داشته باشیم که پیوسته از نظر اقتصادی در حال رشد هستند، کافی نیست. نباید این قدر به حقوق فردی بها می‌دادیم و اجازه می‌دادیم مردم هر کاری که دوست دارند، انجام دهند. در واقع به نظر سندل، شروط اخلاقی راولز مبنی بر اینکه هر انسانی فقط باید به وظایف طبیعی و تعهدات اختیاری خود عمل کند، کافی نیست و نتوانسته است از رواج مشکلات حاضر پیشگیری کند.

راولز در نظریه عدالت، صرفاً به ساختار بنیادین جامعه توجه دارد و در مورد وظایف اخلاقی انسان‌ها به حداقل‌هایی مثل عدم جواز قتل هم‌نوع و تعهدات شغلی اکتفا می‌کند. وی درباره برادری و مهربانی بین مردم سخنی به میان نمی‌آورد و بحث از این موضوع را مرتبط با مسئله محتوای عدالت در نهادهای اساسی جامعه نمی‌داند. همچنین وی به وظایفی که انسان در قبال خود دارد، توجه نمی‌کند. جای این پرسش هست که آیا آسیبی که انسان مثلاً با اعتیاد به

جسم خود وارد می‌کند، از مصادیق رفتار غیر اخلاقی به حساب می‌آید؟ آیا قانون می‌تواند کسی را که کمر بند ایمنی نبسته است جریمه کند؟ آیا کسی می‌تواند از پزشکی برای تسهیل خودکشی‌اش کمک کند؟ اگر همان‌طور که راولز می‌گوید، ما فقط نسبت به دیگران وظایفی داریم، پس دولت نمی‌تواند در مواردی از این دست دخالت کند. می‌توانیم از سندل بپذیریم که حتی اگر جامعهٔ بسامان از آن نوعی که راولز آن را طراحی می‌کند، کاملاً تحقق یابد، جای برخی فضایل مثل مهربانی و برادری و عشق خالی خواهد بود. با این حال نمی‌توانیم با اطمینان بگوییم، جامعهٔ آرمانی سندل همهٔ این فضایل را محقق می‌سازد و عملاً می‌تواند ایدئال‌تر از جامعهٔ بسامان راولزی باشد.

هدف اصلی کتاب حاضر این است که مهم‌ترین اندیشه‌های سندل و نیز موضع انتقادی او را در برابر اندیشه‌های راولز تبیین نماید. در نهایت می‌بینیم، هر چند سندل در مواردی نقدهای مهمی را بر لیبرالیسم معاصر مطرح نموده است و هر چند به خوبی به فقدان اخلاق و فضیلت در جامعهٔ معاصر توجه نموده است، اما راهکار مناسب و کارایی را برای رسیدن به جامعه‌ای عادل و با فضیلت ارائه نداده است.

بررسی موضع انتقادی سندل در مورد راولز که موضوع کتاب حاضر است، در پنج فصل تدوین گردیده است. در فصل اول این کلیاتی دربارهٔ لیبرالیسم و جماعت‌گرایی بیان می‌کنیم. در فصل دوم با توجه به اینکه در مورد راولز منابع فارسی به میزان کافی وجود دارد، به شرح مختصر مهم‌ترین اندیشه‌های راولز می‌پردازیم که سندل به نقد آنها پرداخته است. از این‌رو شرح مختصری دربارهٔ جایگاه عدالت در نظر راولز، تفاوت میان اندیشه‌های راولز متقدم و متأخر، عدالت رویه‌ای ناب، نظریهٔ قرارداد، اصل تفاوت، مفهوم شخص و جامعه در نظر راولز و نیز پلورالیسم معقول و دولت بی‌طرف خواهد آمد. در فصل سوم ابتدا سیر تاریخی اندیشه‌های سندل و مهم‌ترین الگوهای فکری وی و معنای جماعت‌گرایی وی را بیان می‌کنیم. سپس اندیشه‌های سندل به تفصیل تبیین خواهد شد که در بین آنها می‌توان به معنای

جماعت، هویت، آزادی، جمهوری خواهی مدنی و نقاط ضعف آن اشاره کرد. در ادامه بر آنیم ببینیم، سندل چه نوع حکومتی را با چه نوع ساختار اقتصادی ترجیح می‌دهد. جایگاه دین و اخلاق، مفهوم عدالت و فضیلت، و رویکرد سندل در حوزه اخلاق مهندسی ژنتیک را نیز در ادامه این فصل بیان می‌کنیم. شرح نقدهای سندل بر آموزه‌های راولز در فصل چهارم خواهد آمد. سندل بیشتر حوزه‌های لیبرالیسم و ابعاد نظریه عدالت و سایر آثار راولز را نقد می‌کند. وی در لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت، فقط نظریه عدالت و لیبرالیسم سیاسی راولز را نقد می‌کند اما در ناسامانی‌های دموکراسی علاوه بر طرح مجدد این نقدها، نتایج لیبرالیسم راولز را بر قانون، سیاست و نهاد خانواده بررسی می‌کند. در آثار بعدی نیز نتایج سلطه تفکر لیبرالیسم بر زندگی روزمره و تأثیری که بر منش و اخلاق شهروندان دارد را نقد می‌کند. در این فصل نقدهای سندل بر مفهوم خود نامقید، تقدم عدالت، نظریه قرارداد، اصل تفاوت، تقدم حق بر خیر، دولت بی‌طرف، در نظر راولز را به تفصیل مطرح خواهیم نمود. در ادامه برآنیم که ببینیم، سندل چه نقدهایی را بر مفهوم آزادی لیبرال مطرح می‌کند و به نظر وی این نوع آزادی چه تأثیری بر نهاد خانواده داشته است.

فصل پنجم، متضمن شرح رویکردهای برخی متفکران معاصر درباره اندیشه‌های سندل و پاسخ‌های طرفداران راولز به نقدهای سندل خواهد بود. از این رو شرح نظر رزماری گارلند تامسن^۱، دیوید پدلی^۲، لوئجینو برونی^۳، لودویگ بکمن، ریچارد رورتی^۴، آلن هیورث^۵ و جین همپتن^۶ درباره اندیشه‌های سندل خواهد آمد. ارزیابی آموزه‌های سلبی و ایجابی سندل و همچنین پرسش‌هایی که درباره آموزه‌های وی برای نگارنده مطرح شده‌اند، در فصل پایانی این کتاب خواهد آمد.

1. Rosemarie Garland Thomson.

2. David Peddle.

3. Luigino Bruni.

4. Richard Rorty.

5. Alan Haworth.

6. Jean Elizabeth Hampton.